گزارش روز

Reuters

برای دفاع از برجام آماده باشید آقای ترامپ

اگر این مذاکرات موفقیت‌آمیز هم باشد ترامپ خود را در حال دفاع از توافقی خواهد دید که بسیار بسیار شبیه به برجام است

سارا معصومی

سرانجام دیدار میسر شد. کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی با دونالد ترامپ، رییس‌جمهور ایالات متحده در سنگاپور دیدار کرد. در این دیدار ذره‌بین‌ها بر روی ساده‌ترین رفتارهای دو رییس‌جمهور متمرکز شده بود. از نحوه دست دادن تا راه رفتن. دور از هیاهوهای حاشیه‌ای هرچند که مذاکره درباره توانایی هسته‌ای پیونگ‌یانگ با حضور تنها دو کشور کره شمالی و ایالات متحده پیش می‌رود اما نام کره جنوبی، روسیه، چین و البته ایران نیز در میان همهمه‌ها زیاد به گوش می‌رسد. کره شمالی و ایالات متحده در یک بازه زمانی ۵ ماهه از وضعیت تنش‌های شدید لفظی به وضعیت مذاکره رو در رو رسیدند و از همان ابتدا در تمامی تحلیل‌های مربوط به این اتفاق نام ایران به چشم می‌خورد. تاثیر توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ بر مذاکره کره شمالی با دونالد ترامپ چیست؟ آیا خروج امریکا از برجام می‌تواند تاثیر منفی بر مذاکرات ترامپ با کیم جونگ اون داشته باشد؟ آیا نزدیکی به کره شمالی می‌تواند اطلاعات بیشتری درباره برنامه هسته‌ای ایران را در اختیار امریکا قرار دهد؟

دونالد ترامپ یک ماه پیش از توافقی با ایران خارج شد که آن را «بدترین توافق تاریخ» می‌دانست و اکنون در تلاش برای رسیدن به توافقی است که بتواند با تمسک به آن از مهارت مذاکراتی خود سخن بگوید. در آن سوی میدان نیز پیونگ‌یانگ نشسته که به نظر می‌رسد در حال بررسی کنار گذاشتن کامل برنامه هسته‌ای خود و پایان دادن به وضعیت تخاصم در شبه جزیره کره پس از قریب به ۷۰ سال است.

در حالی که مذاکرات میان کره شمالی و امریکا با سرعت پیش می‌رود ترامپ نیز با همان سرعت در حال تخریب نیمچه رابطه دیپلماتیکی است که میان واشنگتن با تهران به بهانه مذاکرات هسته‌ای به وجود آمده بود. از خروج از برجام تا صدور دستور بازگشت تحریم‌های هسته‌ای ایران و البته بسط و توسعه دامنه تحریم‌های غیرهسته‌ای تحمیل شده بر ایران. در حالی که بسیاری از تحلیلگران نگران تاثیر خروج امریکا از برجام بر مذاکرات میان پیونگ‌یانگ و واشنگتن بودند ترامپ به دنبال معکوس کردن این مسیر و تحت فشار قرار دادن ایران برای تن دادن به مذاکره با دولت جدید امریکا درست مانند کیم جونگ اون است.

در داخل ایران هربار از مقام‌های دولتی درباره تاثیر مذاکرات کره شمالی و امریکا بر برجام سوال شده یک جمله واحد تکرار شده و آن هم این بوده که با خروج ترامپ از توافقی چندجانبه که مورد تایید سازمان ملل هم قرار گرفته دیگر سایر کشورها به سختی می‌توانند به امریکا اعتماد کنند. کره شمالی که این روزها از مذاکره با امریکا و خلع سلاح هسته‌ای سخن می‌گوید مقابل خود ایرانی را دارد که به گواه گزارش‌های متعدد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تمام تعهدات برجامی خود پایبند بوده است. با این وجود حضور کیم جونگ اون در سنگاپور و اعلام آمادگی برای خلع سلاح هسته‌ای توانسته به ترامپ این توهم را بدهد که می‌تواند با تشدید فشارهای اقتصادی بر ایران و سخن گفتن از جنگ، تهران را نیز مانند پیونگ‌یانگ به پای میز مذاکره بکشاند.

توافقی شبیه به «بدترین توافق قرن»!

سایت the American conservative در تازه‌ترین تحلیل خود در این باره نوشته است: هرچند که ترامپ و کیم سودای در آغوش کشیدن صلح و خلع سلاح را در سر می‌پرورانند اما همیشه شیطان در جزییات نهفته است. زمانی که ترامپ و تیم او به کره شمالی به چشم کشوری شکست خورده که در حال زانو زدن در برابر خواسته‌های امریکا است نزدیک شدند همه‌چیز تا چند قدمی تخریب رفت اما زمانی که با کره شمالی با احترام برخورد کردند، مذاکرات به خوبی پیش رفت. هنوز معلوم نیست که این دور از مذاکرات چگونه می‌تواند به نتیجه‌ای ملموس منتهی شود. نمونه‌های تاریخی از آفریقای جنوبی تا اوکراین درمورد تحویل دادن سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد و در مورد برنامه موشکی نیز کشورهای قزاقستان، بلاروس و آرژانتین در توافقنامه‌های متفاوت اقدام به محدود کردن برنامه‌های خود کرده‌اند و تمام این موارد می‌تواند از سوی ترامپ به عنوان الگو برای مذاکره با کره شمالی مورد توجه قرار بگیرد. با این وجود یک توافق جدیدتر هم در حوزه منع اشاعه وجود دارد به نام برنامه جامع اقدام مشترک که البته ترامپ و مشاورانش اندک علاقه‌ای به توجه به آن ندارند. چه ترامپ بخواهد و چه نخواهد برجام میوه سال‌ها مذاکرات سخت و نفسگیر بوده که البته ایران در آن سال‌ها متحمل شدیدترین تحریم‌های سیاسی و اقتصادی نیز شده بود. با وجود تمام فشارهایی که بر ایران وارد شد در نهایت توافقی که به دست آمد بیش از آنکه رنگ و بوی یک راهکار دیکته شده به تهران را داشته باشد شبیه یک مصالحه بود. براساس این توافق غرب حق ایران برای برخورداری از برنامه غنی‌سازی صنعتی را پذیرفت و البته ایران نیز به ناظران آژانس اجازه دسترسی وسیع به تاسیسات هسته‌ای خود را داد. همین نکته که برجام میوه مصالحه و نه تسلیم شدن ایران بود یکی از دلایل نفرت ترامپ از این توافق است. مایک پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده در نخستین سخنرانی مهم خود پس از به دست گرفتن سکان وزارت خارجه با موضعی که در قبال ایران و برجام گرفت در حقیقت همان مصالحه به دست آمده را هم بر باد داد. در سخنرانی با عنوان پس از توافق، استراتژی تازه در برابر ایران، دولت ترامپ رویکرد بسیار خشنی را در برابر آنچه رفتارهای نادرست ایران در جهان پسابرجام خواند، مطرح کرد. وزیر خارجه امریکا در این نسخه تند و تیز که بیشتر شبیه اولتیماتوم دادن و نه قرار داشتن در موضع یک طرف مذاکرات بود از حقیقت فاصله گرفت و با ایران به عنوان یک کشور شکست خورده و تسلیم شده و نه یک قدرت منطقه‌ای برخورد کرد. پمپئو ۱۲ شرط را مطرح کرد و تاکید داشت که اگر این شروط برآورده شوند، ترامپ می‌تواند به مذاکره مجدد با ایران فکر کند. شروطی که در حقیقت برای تسلیم شدن ایران بود و هیچ مقام سیاسی در تهران نمی‌توانست با آن کنار بیاید. مخالفت ایران با این شروط بدان معنا نیست که تهران با هرنوع مذاکره‌ای مخالف است چرا که تهران حتی پس از برجام و پیش از خروج امریکا از این توافق در مذاکره با اروپایی‌ها نرمش‌هایی از خود در مورد برخی موارد نگرانی‌های اروپا نشان داده بود این دولت ترامپ بود که هیچ تمایلی به مذاکراتی از این دست از خود نشان نداد. سخنان پمپئو نیز صرفا برای رد کردن برجام بود و به درستی می‌توان گفت که نوعی اعلام جنگ علیه ایران بود. به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین هدف پمپئو از تبیین استراتژی جدید در برابر ایران این بود: شکستن اقتصادی تهران برای تسهیل روند تغییر نظام در این کشور و در نهایت اگر این امر هم محقق نشد بنا بر استفاده از گزینه نظامی خواهد بود. در این زمینه به نظر می‌رسد که پمپئو دقیقا از روی همان نسخه و کتابی می‌خواند که امریکایی‌ها هنگام حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ تجویز کردند. آنچه پمپئو و سایر مشاورهای رییس‌جمهور امریکا درباره نحوه رویارویی با ایران فراموش کرده‌اند این است که فصل آغاز کتاب حمله به عراق شکست نظامی این کشور و البته خسارت جبران‌ناپذیری بود که بر ساختارها و اقتصاد عراق وارد شده بود. ایران امروز نه از منظر اقتصادی شکست خورده و نه منزوی است.

زمانی که در سال‌های ۲۰۰۵ به بعد فشارهای جهانی بر ایران برای محدودسازی برنامه هسته‌ای آغاز شد این کشور کمتر از ۱۰۰ سانتریفیوژ در حال کار داشت و زمانی که برجام در سال ۲۰۱۵ به دست آمد تهران تقریبا از ۲۰ هزار سانتریفیوژ برخوردار بود. بنابراین این ادعا که فشار حداکثری اصلی‌ترین دلیل مذاکره با ایران بوده، اشتباه است. دونالد ترامپ در حالی ریاست‌جمهوری خود را آغاز کرد که در ماه‌های نخستین ادعا می‌کرد کره شمالی هیچگاه اجازه برخورداری از تسلیحات اتمی یا ابزاری برای رساندن آنها به سواحل امریکا را نخواهد داشت. اوایل سال جاری میلادی بود که کره شمالی به موشک‌هایی با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای دست پیدا کرد که می‌توانست به خاک امریکا برسد. در اینجا نیز باید گفت که این توانایی هسته‌ای کره شمالی بود که ترامپ را به میز مذاکره با پیونگ‌یانگ کشاند درست مانند توانایی ایران در غنی‌سازی اورانیوم که اوباما را به پای میز مذاکره آورد. ترامپ و سایر کشورهای جهان به این دلیل به توافق نهایی با ایران دست یافتند که واقعیت استقلال و مغلوب نخواندن آن را در جریان مذاکرات هسته‌ای پذیرفتند. نتیجه این سیاست توافق هسته‌ای بود که ترامپ از آن خارج شد.

ترامپ اندک اندک باید یاد بگیرد که می‌تواند درباره سیاست فشار حداکثری هرآنچه می‌خواهد بگوید اما کره شمالی یک کشور مستقل و ملتی شکست نخورده است و نتیجه نشست کره‌شمالی و امریکا هرچه که باشد در نهایت در مربعی چهارضلعی با واقعیات برخورد خواهد کرد.

این حقیقت است که نشست سنگاپور یک موفقیت بود و ترامپ مستحق یک آفرین برای برگزاری این نشست است اما نشاندن کره شمالی پشت میز و وادار کردن آن به امضای توافقنامه خلع سلاح، دو مقوله متفاوت هستند. طنز ماجرا اینجاست که اگر این مذاکرات موفقیت‌آمیز هم باشد ترامپ خود را در حال دفاع از توافقی خواهد دید که بسیار بسیار شبیه‌تر به برجام است تا رویکرد تسلیم‌پذیری ایران که مایک پمپئو در سخنرانی‌اش از آن دفاع کرد.

نیم‌نگاه ترامپ به ایران در سنگاپور

دونالد ترامپ، رییس‌جمهور ایالات متحده به حضور کشورش در توافق هسته‌ای با ایران پایان داده اما همچنان چشم انتظار توافقی مجدد با تهران به سبک و سیاق مورد علاقه خودش است. وی پس از دیدار با کیم جونگ اون در ابتدای نشست خبری نسبت به حل اختلاف هسته‌ای با ایران ابراز امیدواری کرد. البته لحن دونالد ترامپ درست مانند ۱۶ ماه گذشته از ریاست‌جمهوری‌اش در قبال ایران تند و تیز بود. وی در این زمینه گفت: «امیدوارم در موقع مناسب و بعد از اینکه تحریم‌ها تاثیر خود را گذاشت- و آنچه علیه ایران وضع کرده‌ایم تحریم‌های بسیار شدیدی است- آنها به سر میز مذاکره و توافقی واقعی برگردند زیرا واقعا چنین چیزی را دوست دارم اما حالا برای چنین تحولی زود است.»

رییس‌جمهور ایالات متحده در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه موضوع گسترش تسلیحات هسته‌ای را بسیار مهم می‌داد، گفت: «به همین دلیل پیگیر موضوع توافق هسته‌ای با ایران بودم». به گزارش بی‌بی‌سی، وی تلویحا تصمیم خود در خروج از برجام را موثر دانست و این گفته را تکرار کرد که به نظر او، رفتار ایران اخیرا تغییر مثبت یافته است.

ترامپ در بخش دیگری از این مصاحبه گفت که «گروگان‌های امریکایی» پیشاپیش از کره شمالی آزاد شده و به کشورشان باز گشته‌اند بی آنکه به گفته او، مانند آزادی گروگان‌های امریکایی از ایران، یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار باج پرداخته شده باشد.

احتمال درز اطلاعات هسته‌ای ایران؟

همزمان با آغاز مذاکرات میان کره شمالی و ایالات متحده که هنوز نمی‌توان آن را مذاکرات هسته‌ای خواند، رسانه‌هایی چون واشنگتن پست به ابعاد دیگری از گفت‌وگوهای میان واشنگتن و پیونگ‌یانگ اشاره کرده و نوشته‌اند: شاید برخی در ایران باشند که نگران درز اطلاعات هسته‌ای ایران توسط کره شمالی در جریان مذاکرات واشنگتن-پیونگ‌یانگ باشند.

واشنگتن پست به نقل از یک کارشناس ارشد مسائل بین‌المللی در شورای آتلانتیک نوشت هرچند که ایرانی‌ها لحن انتقادی را نسبت به مذاکرات کره شمالی و ایالات متحده اتخاذ کرده‌اند اما با دقت در حال رصد این مذاکرات هستند که البته یکی از دلایل این موضوع همکاری‌های هسته‌ای ایران و کره شمالی در گذشته است.

وی در ادامه نوشته است: یک سوال اساسی در تهران این است که آیا اگر پیونگ‌یانگ به توافقی با ترامپ دست پیدا کند احتمال افشای اطلاعات در اختیار درباره برنامه هسته‌ای ایران از سوی کیم جونگ اون وجود دارد؟

برخی کارشناسان اعتقاد دارند که کره شمالی اطلاعات بسیاری درباره برنامه و نیت هسته‌ای ایران در اختیار دارد. واشنگتن پست در این باره می‌نویسد: اکبر هاشمی‌رفسنجانی که به مدت دو دوره رییس‌جمهور ایران بوده در کتاب خاطرات خود به همکاری‌های هسته‌ای میان ایران و کره شمالی اشاره کرده است. در بخش‌هایی از این کتاب آمده که در جریان جنگ عراق، ایران در حوزه‌های موشکی و تسلیحاتی با کره شمالی تبادل اطلاعات داشته است.

در شرایطی که کره شمالی این اطلاعات را در اختیار امریکا قرار دهد این احتمال وجود دارد که واشنگتن باز هم داستان سرایی جدیدی درباره نیت هسته‌ای ایران در گذشته که تحت عنوان ابعاد احتمالا نظامی برنامه هسته‌ای ایران مطرح بود، به راه بیندازد.

نگاه روز

جبهه جهانی ضد ترامپ و موقعیت ایران

کوروش احمدی

سال‌ها استراتژی امریکا مبتنی برای تحت فشار قرار دادن دشمنان خود و تلاش برای منزوی کردن آنها بوده است. این استراتژی با سیاست مهار بعد از جنگ دوم جهانی علیه شوروی آغاز شد و در این اواخر با تلاش دولت اوباما برای تحریم و انزوای ایران و کره شمالی ادامه یافت. اتفاقات اخیر در نشست جی ۷ معرف چرخش و تحولی دراماتیک و اعجاب‌آور در این روند بود و نمودی از انزوای سیاسی ترامپ در آستانه ملاقات با رهبر یک کشور تحت تحریم به شمار رفت. لذا می‌توان ملاقات سنگاپور را ملاقات دو رهبر منزوی به شمار آورد؛ با این تفاوت که یکی رییس جمهور بزرگ‌ترین اقتصاد جهان با تولید ناخالص داخلی نزدیک به ۲۰ تریلیون دلار است و آن دیگری حتی هواپیمایی که او را به سنگاپور ببرد نداشت و سفرش با هواپیمای مرحمتی چین ممکن شد. کارشناسان تجاری از هر طیفی مبنای عینی چندانی برای جنگ تجاری ترامپ قائل نیستند. کسر تراز پرداخت خارجی امریکا حدود ۵۰۰ میلیارد دلار است؛ یعنی کمتر از ۳ درصد کل تولید امریکا. او در مورد تعرفه‌ها هم که موضوع محوری در نشست کبک بود، مثل صدها مورد دیگر دروغ می‌گوید. به گزارش بانک جهانی متوسط تعرفه‌های امریکا، آلمان، فرانسه و انگلیس تقریبا مشابه است. ترامپ تنها به صورت عوام‌فریبانه بر برخی تعرفه‌های خاص مثل تعرفه ۲۷۰ درصدی لبنیات کانادا انگشت می‌نهد، اما به اینکه متوسط تعرفه‌های کانادا از بقیه کمتر است، توجه نمی‌کند. برخی این رفتارها را به ناتوانی‌اش در درک امور پیچیده و نیز علاقه‌اش به خودنمایی و مخالف‌خوانی نسبت می‌دهند. برخی نیز مبانی ایدئولوژیک برای رفتار او قائلند و معتقدند که او شیوه حکومتی اقتدارگرایانه را به شیوه سنتی زمامداری ترجیح می‌دهد. ترامپ مانند هر پوپولیست دیگر اهداف استراتژیک درازمدت ندارد و تنها متوجه جلب توجه و حفظ پشتیبانی پایگاه رای خود است. سران اروپای غربی و امریکا از ابتدای جنگ اول بانگاهی استراتژیک به امور نگریسته‌اند و با همین نگاه دو جنگ جهانی را بردند، دشمنان سابق را در اتحاد خود وارد کردند، در جنگ سرد برنده شدند و در پی آن مرزهای اتحاد خود را به سوی روسیه بسط دادند، در پی تبلیغ ارزش‌های خود و در راس آن دموکراسی بودند و اولویت آنها امنیتی مبتنی بر چنین پایه‌هایی بود. ترامپ در پی منافع کوتاه‌مدت است. تمرکز ترامپ بر تجارت و تعرفه‌های تجاری از یک دیدگاه وسیع‌تر بسیار ناچیز به نظر می‌رسد؛ خاصه آنکه امریکا خود به پشتیبانی هر دو حزب دمکرات و جمهوریخواه طی دهه‌ها معمار تجارت آزاد بوده است. اکنون حضور امریکا در اتحاد غرب که بر تجارت آزاد و اتحاد دموکراسی‌ها مبتنی بوده، با خروج ترامپ از توافق تجاری حوزه پاسیفیک، توافقنامه جهانی پاریس و برجام و به مخاطره انداختن بقیه توافقاتی که امریکا در آن حضور دارد، با تردید روبه‌رو است. اگرچه اتحاد غرب در مقاطعی طی ۷۰ سال گذشته با مشکلاتی مواجه بوده، اما کم و کیف بحران جاری با دیگر بحران‌های پیشین تفاوت دارد. تداوم همبستگی دیگر اعضای جی ۷ و تصمیم آنها به ادامه حرکت در جهت تقویت مبانی تجارت آزاد و تعمیق آن از طریق امضای توافقاتی (مانند توافق تجاری اخیر کانادا با اتحادیه اروپا) و تمایل چین به همکاری در این زمینه، ممکن است به ادامه و تعمیق انزوای امریکا کمک کند. به‌علاوه، ترامپ نشان داده که در نظر و عمل با چند جانبه‌گرایی موافق نیست، قوانین و نهادهای بین‌المللی را به سود رقبا می‌داند و دیپلماسی را وقت تلف کردن می‌شمرد. این گرایش‌های ترامپ، می‌تواند و باید به ادامه چندجانبه‌گرایی منهای امریکا بینجامد. اگر چه تولید امریکا به تنهایی حدود ۲۰ تریلیون دلار است، اما اتحادیه اروپا، کانادا و ژاپن نیز با تولیدی معادل مجموعا بیش از ۲۳ تریلیون دلار در وضعیت چندان بدی نیستند. در چنین شرایطی ما باید اولا نیش ترامپ به برجام را نه یک امر منحصر به فرد بلکه ناشی از اقتضای طبیعت او بدانیم. ثانیا توجه داشته باشیم که رفتار ترامپ نه تنها او را در برابر ما بلکه در برابر همه متحدان همیشگی امریکا و نیز طیف نیرومندی در داخل امریکا قرار داده است. اکنون بیش از هر زمان دیگری مسلم است که مساله برجام نیز در طیف مسائلی است که تقریبا همه جهان با امریکای ترامپ دارد. چنین شرایطی ایجاب می‌کند که ایران بیش از پیش به فکر تثبیت جایگاه خود در این جبهه جهانی مقابله با ترامپ باشد و از هر اقدامی که به ضرر این جبهه جهانی و لاجرم به ضرر خودش باشد، بپرهیزد.

ادامه از صفحه اول

هیاهو برای هیچ

ولی واقعیت این است که این فقط یک ملاقات جنجالی بود و دستاورد واقعی برای امریکا نداشت. جای تعجب است که دونالد ترامپ و تیمش توافقی به جامعیت برجام با داشتن مکانیسم بی‌نظیر نظارت و ارزیابی را نوعی شکست تفسیر کرده و توافق خود که پس از چند ماه رفت و آمد حاصل آن یک بیانیه چهار ماده‌ای است- که در خوشبینانه‌ترین حالت مشحون از ابهام است- را یک پیروزی معرفی می‌کنند. صادقانه باید گفت که بسیاری از تحلیلگران به هیچ‌وجه انتظار چنین نتیجه ضعیفی از تیم مذاکراتی امریکا نداشتند. روشن است که امریکا نتوانسته است رهبر کره شمالی را قانع کند که از مواضع خود کوتاه بیاید و می‌توان گفت چشم‌انداز روشنی برای آینده و تداوم این مذاکرات متصور نیست و حتی این بیانیه امریکا را در وضعیت دشواری قرار خواهد داد. من سعی می‌کنم بندهای این توافق را یک به یک به اختصار تحلیل کنم تا سخنم بیشتر برای مخاطب روشن شود. طرفین در بند اول توافق کرده‌اند که روابط دوجانبه‌ای برقرار کنند. بلافاصله پس از این جمله گفته‌اند «مطابق خواست مردم دو کشور» برای ایجاد صلح و سعادت. از نظر تکنیکی اراده بدون قید و شرط دو کشور برای برقراری روابط کامل بیان نشده است، زیرا بلافاصله به‌نحوی بسیار ظریف و غیرمستقیم چنین روابطی مشروط شده است به خواست مردم دو کشور. اگر قصد بر انجام قطعی این کار بود بیانیه باید به‌صورت ساده می‌نوشت روابط برقرار می‌شود یا حداقل می‌نوشت «در راستای خواست مردم دو کشور» این روابط برقرار می‌شود. به‌لحاظ تکنیکی می‌توان گفت که طرفین در این مورد به نتیجه قطعی نرسیده‌اند. گذشته از آن، این بند امریکا را در موقعیت دشواری قرار خواهد داد. بعید است امریکا به زودی این بند را اجرا کند بدون اینکه به خواسته‌های دیگر خود برسد، زیرا در واقع تحریم‌های امریکا و سلاح هسته‌ای کره شمالی مانع برقراری روابط نزدیک دو کشور هستند. اگر ترامپ در برقراری روابط جدید جدی باشد چاره‌ای جز لغو تحریم‌ها ندارد. این دقیقا چیزی است که کره شمالی به آن نیاز دارد و قصد دارد از این طریق به انزوای طولانی خود پایان دهد. اگر ترامپ تحریم‌ها را رفع نکند، مجبور است به مواضع قبلی برگردد و دو کشور مجددا در نقطه صفر متقابل قرار خواهند گرفت. در مجموع این بند از آنجا که امریکا را در موقعیت دشواری قرار خواهد داد، به نفع کره شمالی است. در بند دوم بیان شده که امریکا و کره شمالی تلاش‌های مشترکی انجام خواهند تا یک «رژیم» صلح در شبه‌جزیره کره برقرار کنند. جای سوال دارد که چرا به جای انعقاد موافقتنامه یا توافق صلح از کلمه رژیم استفاده شده است. مشخص است که توافق کامل و روشنی در مورد انعقاد توافق صلح بین دو کره صورت نگرفته است. کلمه رژیم یک کلمه مبهم است و معمولا به معنی مجموعه‌ای از توافقات یا اقدامات سیاسی و حقوقی است. اهمیت موضوع در این نکته است که توافق صلح می‌تواند به زیان امریکا تمام شود. در صورتی که توافق صلح بین دو کره صورت گیرد امریکا بهانه قابل قبولی برای حفظ نیروهای نظامی خود در کره جنوبی و در آب‌های ساحلی آنکه به مقصود دیگری که بخشی از آن مرتبط با چین است را نخواهد داشت. توافق صلح بالقوه می‌تواند قطعنامه‌های شورای امنیت را علیه کره شمالی لغو کرده و بعضی از بهانه‌ها را برای تحریم آن کشور از بین ببرد. روشن است که مطلوب کره شمالی انعقاد توافقنامه صلح بوده است ولی کلمه «رژیم صلح» در آینده می‌تواند شامل توافق صلح، حضور نیروهای امریکایی و سایر موارد هم باشد. معمولا برای جلوگیری از شکست مذاکرات کلمات مبهم و چند پهلو به کار گرفته می‌شود. در اینجا می‌توان گفت کره شمالی تا حدودی از خواسته اصلی خود اندکی عقب‌نشینی کرده است ولی واقعیت این است که کره شمالی با واقع‌گرایی می‌دانسته است که در بهترین وضعیت هم نمی‌تواند برای روابط امریکا و کره جنوبی تصمیم‌گیری کند. در بند سوم تعهد شده است که کره شمالی طبق «بیانیه پانمونجوم» در راستای غیرهسته‌ای شدن شبه‌جزیره کره فعالیت کند. این بند قصد اصلی انجام مذاکرات بود. ولی با کمی دقت دیده می‌شود که کره شمالی تعهد جدیدی متقبل نشده است. کره شمالی اصولا مشکلی با تعهد مندرج در این بند ندارد. اولا بیانیه تعهدی روشن برای کره شمالی برای غیر هسته‌ای شدن بیان نکرده است. کره شمالی تنها تعهد داده است که در این راستا اقدام کند. ثانیا اقدام کره شمالی در راستای غیر هسته‌ای شدن «شبه‌جزیره کره» است نه فقط کره شمالی. یک تفاوت بسیار آشکار بین نظر امریکا و کره شمالی وجود دارد. امریکا به دنبال غیرهسته‌ای شدن کره شمالی است. در حالی که کره شمالی در پی غیرهسته‌ای شدن شبه‌جزیره کره است. پیامد این بند چیست؟ اگر غیر هسته‌ای شدن شبه‌جزیره کره را بپذیریم آنگاه باید بپذیریم که اولا همزمان با انهدام سلاح هسته‌ای کره شمالی امریکا هم باید تجهیزات خود اعم از هواپیما، ناو و زیردریایی مسلح به سلاح هسته‌ای را از زمین، هوا و آب‌های شبه‌جزیره کره خارج کند. دوم اینکه منظور از «غیرهسته‌ای شدن» در لغت انگلیسی که ملاک اعتبار بیانیه است صرفا از بین بردن سلاح هسته‌ای است نه تاسیسات هسته‌ای که صلح‌آمیز باشد. بیانیه در مورد دو موضوع در این چارچوب مسکوت است. اول برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کره شمالی و دوم موشک‌های قاره‌پیما. مشخص است که کره شمالی حتی اگر سلاح هسته‌ای خود را امحا کند سعی می‌کند یک برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای در سطح کره جنوبی را حفظ کند. کره جنوبی اکنون اورانیوم را در سطوح بسیار بالا حدود شصت درصد خلوص غنی‌سازی می‌کند. اگر کره شمالی چنین درصدی از غنی‌سازی را حفظ کند و موشک‌های قاره پیمای خود را نیز داشته باشد در آینده و در صورت نیاز به سلاح هسته‌ای با توجه به تجربه و تخصص خود رسیدن مجدد به سلاح هسته‌ای برای این کشور کار بسیار آسانی خواهد بود. امریکا در واقع در این بند نتوانسته است خواسته خود را به کره شمالی تحمیل کند. بلکه این کره شمالی است که با زیرکی هیچ تعهد مشخصی را نپذیرفته و مواضع قبلی خود را تکرار کرده است. بند چهارم بیانیه در واقع ناظر بر یک کار روتین پس از ترک مخاصمه مسلحانه است. در این بند طرفین تعهد کرده‌اند که برای بازگرداندن باقیمانده جنازه‌های ناشی از جنگ اقدام کنند و برای شناسایی اجساد باقیمانده هم تلاش کنند. این کار در واقع باید بیش از نیم قرن پیش صورت می‌گرفت. بلافاصله پس از آتش‌بس باید مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه این اقدام صورت می‌گرفت. لذا گرفتن یک نتیجه خاص از یک امر معمول بین کشورها خیلی مد نظر نبوده و این کار صرفا یک اقدام بشردوستانه است و بدون این بیانیه هم طرفین ملتزم به انجام این اقدام بودند. در مجموع و به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان امریکا و شخص ترامپ را بازنده این دور از مذاکرات دانست. روشن است که ترامپ نیاز به این توافق داشته و در بیشتر موارد مجبور شده است از خواسته‌های اولیه خود چشم پوشی کند یا آنها را در ابهام نگه دارد. اگر دونالد ترامپ به روش معمول خود مدعی پیروزی در این مذاکرات شود موجب تعجب خواهد شد. برعکس ترامپ، باید یک نمره مثبت به طرف کره‌ای داد که بدون جنجال یا ایجاد حاشیه با قاطعیت خوبی وارد مذاکرات شد و تحت تاثیر تبلیغات و صحنه‌سازی‌های امریکا و شخص ترامپ قرار نگرفت و با وجود برداشت‌های اشتباه خیلی از مفسران به‌صورت کاملا حرفه‌ای توانست چنین مذاکره‌ای را در قدم اول و تا این مرحله به سود خود انجام داد. اما اگر من بخواهم توصیه‌ای به طرف کره‌ای بکنم حتما به دو مورد اشاره خواهم کرد؛ اول اینکه امریکا ممکن است بازنده متن باشد ولی الزاما نمی‌توان گفت در نهایت و در فرامتن هم بازنده خواهد بود. اصولا روش امریکا این است که متنی را به نتیجه رسانده و پس از پایان مذاکرات با انجام اقداماتی و تحمیل تفسیر و تاویل‌های یکجانبه و خودسرانه سعی می‌کند نتیجه نهایی را به سود خود تغییر دهد. کره باید مراقب این روش امریکا باشد. دومین توصیه این است که در یک نگاه سطحی و با احتیاط می‌توان گفت که نفع کره شمالی بیشتر در اجرای تعهدات مندرج در این بیانیه به ترتیبی است که در بیانیه نوشته شده است. امریکا ممکن است ابتدا به سدنبال اجرای بندهایی در آغاز کار باشد که به نفع اوست و در نهایت می‌تواند از اجرای تعهداتی که به نفع کره است شانه خالی کند.